

یادداشت‌روز

راز ماندگاری جشنواره؛  
درک متقابل فیلم‌ساز  
تماشاگر و مدیریت



محمود گبدرلو  
تحلیلگر سینما

«جشنواره فیلم فجر» نماد سینمای نوین پس از انقلاب اسلامی است که علیرغم اوج و فرودها - گاه با سلاقی و نگاه‌های متفاوت و متنوع و گاه با نگاه سخت‌گیرانه کج‌اندیش - همچنان پا بر جاست و همچنان بستری برای شکوفایی و کشف استعداد فیلمسازان و ارتقا نگاه تماشاگران به سینمای ایران است. در هر شرایط شوق فیلمسازان و تماشاگران با شروع زنگ جشنواره قابل تحسین و تامل است.

راز و رمز پایداری این اتحاد و همدلی، پیدا کردن روش‌های نوین در عرصه مدیریتی و کارآمدی سیستم‌های حمایتی و تحول در مسیر در نوع تولید فیلمسازان است. همانگونه که این تکنولوژی برتر، هر لحظه در حال پیشرفت و شکوفایی و مورد توجه بیشتر مخاطبان جامعه است، نباید این نکته نادیده گرفت که مسیر طی کارایی گذشته راز دست بدهد.

رقبای جدی سینما به میدان آمده‌اند و در صدد جذب مخاطبان سینما هستند، چنانکه نسبت تماشاگر سینما کاهش یافته و میانگین درصد تماشاگر به نهایت پنج درصد جمعیت ایران رسیده است. البته با ورود شیوه‌های دیگر «فیلم دیدن» مثل پلتفرم‌ها و سریال‌ها و فیلم‌های ویدیویی، کاهش تماشاگر سینماترینی است اما زنگ خطر واقعی آنجاست که بدون آرایه شیوه‌های نوین و بدست آوردن تعداد طبیعی مخاطب سینما بدون درایت و تدبیر چمباتمه غم بغل کرد و خدای ناکرده شاهد سقوط تدریجی بود.

تماشاگر ایرانی هنوز فیلم دیدن در سالن سینما آن هم کنار خانواده و یا دوستان را دوست دارد و استقبال می‌کند، هنوز سینما را یک سرگرمی و تفریح خوب و قابل اعتماد می‌داند و حاضر است بخشی از نقدینگی خود را صرف سینما کند اما به شرط آن که احساس کند با دیدن یک فیلم، حال او و همراهانش خوب می‌شود و از وقت و هزینه مصرف شده لذت برده است. لازمه ایجاد چنین شرایطی، درک شرایط و موقعیت تماشاگر توسط تولیدکننده و حمایت‌گر یعنی فیلمساز و نظام مدیریتی است. فیلمساز و مدیریت سینمای ایران، باید از شرایط زمانه و دسترسی راحت و آسان تماشاگر به بهترین فیلم‌های ساخته شده در جهان مطلع باشد به راحتی تماشاگر امروز بر راحتی فیلم‌های معمولی و فاقد خلاقیت راز فیلمساز ایرانی نمی‌پذیرد و نظام مدیریتی هم با عدم درک چنین موقعیت خطیر ممکن است تماشاگر ایرانی را که از فیلم‌های ایرانی به هویت ایرانی نزدیک می‌شود راز دست بدهد و در چنین شرایطی دیگر سیاست‌گذاری بی‌معناست. در چنین شرایطی روش‌های سهل و آسان تری را برای بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌های فیلمساز ایرانی فراهم آورد. آخرین اصلاحیه آئین‌نامه نظارت بر فیلم ایرانی در سال ۱۳۸۲ اتفاق افتاده است یعنی بیش از بیست سال است شوراها پروانه ساخت و نمایش طبق آن آیین‌نامه‌ای که طبعاً با فضای جامعه تطبیق ندارد عمل می‌کنند! مشخص است کارآمدی خود راز دست داده و به روز نیست، شاید به همین دلیل است هر کارشناسی که وارد این شوراها شده، پس از مدتی یا کنار می‌رود یا کنار گذاشته می‌شود چون آئین‌نامه با واقعیت روز جامعه سازگار نیست. نه نیاز مخاطب را برآورده می‌کند و نه نیاز فیلمساز را و حتی نیاز مدیران وقت را! (نمونه آن، اعتراضات اخیر یکی از اعضا شوراها در گفت‌وگو با برنامه خط فرضی) اینگونه مصاحبه‌ها نشان می‌دهد سیستم مدیریتی در گذشته کارایی خود را از دست داده است و همه در نوعی سرگردانی بسر می‌برند.

شوق پایدار برای حضور گسترده تماشاگران و بخصوص فیلمسازان و استقبال بیشتر از جشنواره فیلم فجر، نیازمند درک متقابل فیلمساز، تماشاگر و مدیریت است و این عمل سخت و دشوار نیست، فقط قدری تغییر، همراهی، همدلی و محبت و درایت می‌طلبد.



یادداشتی بر فیلم «دست تنها» به کارگردانی امیرحسین ثقفی

یک ملودرام تپیکال

رضا خسروزاد

نقد فیلم

«التی، جوان فقیر تنهای تازه آزاد شده از زندان که مشکلات اسکیزوفرنی دارد با حافظ پیر مرد زباله‌گرد همراه می‌شوند تا دختر شهرستانی سرگردان در تهران را یاری رسانند...»

ملودرام‌های اجتماعی اغلب شخصیت‌هایی به شدت آسیب‌دیده و در مانده و قابل ترحم دارند و به همین جهت است که مخاطب آماده دلسوزی و همراهی کردن با آنهاست. حالا اگر چنین شخصیتی در هیبت ناجی و نجات‌دهنده ظاهر شود، همذات‌پنداری و همراهی با آن بشکل مضاعفی سریع‌تر و شدیدتر اتفاق می‌افتد. «دست تنها» اما با اینکه زمان و فرصت کافی و موقعیت‌های خوب دارد تا شخصیت‌ها را عمیق و چندلایه معرفی کند، اما بواسطه عدم پردازش درست، آدم‌های داستان سطحی و تک بعدی و در حد تیپ باقی می‌مانند. آنچه کاراکتر تیپ از شما می‌خواهد، تماشای بیرونی کنش‌ها و اکت‌ها و ناظر بیرونی ماندن تماشاگر است.

فیلم، لوکیشن و فضای درستی دارد و پر کار و زحمت ساخته شده و دارای قاب‌های به شدت زیباست، اما زیبایی‌های فیلم از بازی گرفته تا میزانسن و تصویر و نور و رنگ و فضا، در هم تنیده و ممزوج نشده است. با این حال فیلم سر حال و شاداب است و می‌تواند به راحتی شما را مجذوب تصاویر و تدوین و موسیقی خوبش کند.

سرگردانی التی ۲۱ و نیازش برای دل‌بستگی و شنیدن دوست دارم اگر چه وافی به شناخت جنبه‌های درونی و

لایه‌های پیچیده شخصیت بیمارگونه او نیست، اما کافی برای قهرمان پنداشتن و هم‌حسی و تعقیب ماجرای اوست. همراه شدنش با حافظ نیز به تشریح مساعی و همدردی ختم نمی‌شود اما چرایی این همیاری، بدون هیچ پرسشی برای مخاطب پذیرفتنی است. اشتراک وضعیت کاراکترهای اصلی، کافی است تا موقعیت‌های مشترک و با هم به دل ماجرا زدنشان را قبول کنیم. اغلب ما با قماربازندگان آشنا هستیم و می‌دانیم که زندگی یکسرش باخت است و گاهی از رگ گردن به آدم‌ها نزدیکتر. التی جوان بازنده است و حافظ پیری خودخواسته نبرده و ترکیب این دو ایده جالبی بوده است.

بازی شکیب شجره و مجید مظفری روان و در آرایه کاراکترهایشان بسیار موفقند. بازی شجره بیرونی و تپیکال و پراکت و تنش به جهت خصوصیات شخصیت بازی است و در نقطه مقابل بازی مظفری متین و پنهان با عمقی درونی و زیر پوستی است.

بازی نرگس محمدی در نقش دختر جامانده از نامزدش اما، کمتر پذیرفتنی است. فیزیک و گریم ناهماهنگ با شهرستانی بودن و لحن و گویش و فرم بازی بگونه‌ای از آنچه باید می‌بود، دورش ساخته است.

این خامی در فضا و اتمسفر و جا نیفتادن شیمی فیلم، مهمترین و بزرگترین ضعف فیلم است و موجب شده فیلم در حد یک ملودرام تپیکال فقر باقی بماند. شخصاً متأسف شدم که چرا با کمی کار بیشتر و مشاوره حرفه‌ای، فیلم بدل به اثری درخشان نشده است.

جدول امتیاز دهی منتقدان به فیلم‌های روز چهارم بخش مسابقه جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

منتقدین	نام فیلم	اشک هور	دست تنها	خانی	زیبا صدایم کن	کفایت مذاکرات	پسر دلفینی ۲	ناتور دشت	مرد آرام
	حسین گیتی	**	**	**	-	*	**	**	-
	فاطمه فریدن	-	-	*	**	-	**	**	*
	حسن لطفی	**	*	**	**	-	-	**	*
	پیمان شوقی	**	-	-	**	-	-	*	**
	محسن سلیمانی فاخر	-	-	*	**	-	**	**	**
	نغمه خدابخش	-	-	-	**	*	**	**	*
	ذبیح اله رحمانی	**	*	**	**	*	**	*	*
	مازیار معاونی	-	**	*	**	*	**	**	*
	وحید فرازان	-	**	**	**	-	-	*	*
	محمد شریعت پناه	**	**	*	**	*	**	**	**
	رضا حسینی	-	-	*	**	-	-	**	*
	ایمان عظیمی	**	*	*	*	-	**	**	*

عالی \*\*\*\*\*

خیلی خوب \*\*\*\*

خوب \*\*\*

متوسط \*\*

بد \*